

اکبر ترکان در گفت و گوبا «ایران»:

بعد از قطعنامه و برجام، توافق با چین سومین تصمیم راهبردی دیپلماتیک است

■ ادامه از صفحه اول

تندترین حمله‌ای که در این ماه‌ها به دولت شد یکی بحث بر خوردنها با وزیر خارجه در صحن مجلس بود و دیگری پیش کشیدن بحث استیضاح رئیس جمهوری. رهبر معظم احتمالی که گفتید بیشتر دوی این موارد تذکر داند.

من فکر می‌کنم اینها با سخنان مقام معظم رهبری مدتی خودشان را کنترل می‌کنند، ولی این وضعیت موقتی است و دوام زیادی نخواهد داشت. ببینید ما در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ هم شاهد اتفاقاتی بودیم که باعث تذکر علنی رهبر معظم انقلاب به همین جریان و حامیان آن شد که نمونه برجسته آن بر هم زدن سخنرانی‌ها و در رأس آن سخنرانی ۲۲ بهمن آقای لاریجانی در قم بود. مگر بعد از آن این جریان همین کارها را تکرار نکرد؟ یا رهبر انقلاب مگر کم درباره نوع ادبیات برای نقد دستگاه دیپلماسی تذکر داده‌اند، تا الان چقدر این تذکرها را اینها مدنظر قرار داده‌اند؟ بنابراین به نظرم این فضا در یک سال آینده ادامه دارد و حتی می‌تواند تندتر هم بشود. واقعا امیدوارم که این طور نباشد.

ولی به هر حال ادامه اختلافات و تنش‌ها روی پرونده‌هایی که مورد اشار شما بود تأثیر می‌گذارد. در این شرایط چه باید کرد؟

امیدواری من ناظر به عکس‌العمل دولتمردان است که کاری کنند تا این اقدامات روی آنها تأثیر نگذارد. اما این را هم می‌دانم که به هر حال بی‌تأثیر نیست و نظام مدیریتی تحت تأثیر این تنش‌ها قرار خواهد گرفت. اما به هر حال چاره‌ای نیست، این یک سال را باید دولت متوجه جمع کردن کارها و پروژه‌هایش باشد. دولتمردان در هر حالتی باید به مجلس احترام بگذارند، این احترام از قبل هم بوده اما حالا باید بدانند که وقت پاسخ دادن و این جور کارها نیست. ببینید مسأله یک سال پایدانی این دولت فقط مسأله دولت دوازدهم و آقای روحانی نیست، مسأله کشور است. این سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌هایی که باید جمع شوند فقط مسأله کارنامه دولت نیستند بلکه مسأله کشور هم هستند. اینها اگر در این یک سال به نتیجه نرسند، سرنوشت آنها برای بعد از دولت نامعلوم خواهد بود.

یعنی چطور؟ به عبارتی آیا شما می‌گویید دولت بعد اگر از طیف دیگری باشند این کارها را ادامه نمی‌دهند؟

من یک مثال می‌زنم تا بگویم حرفم چیست. من یک موقعی خودم وزیر راه بودم، تونل کندوان بکطرفه بود و دو تا ماشین از کنار هم در آن رد نمی‌شدند و برای رفت و آمد خیلی مشکل ایجاد می‌کرد. سال آخر دوره وزارت من به ابتکار آقای دکتر بازرگان قائم مقام من بود، شروع کردیم به تعریض این تونل تا بشود آن را دوطرفه کرد. قسمت زیاد کار انجام شده بود که دوره ما تمام شد. من از آقای بازرگان خواهش کردم در وزارت راه بماند تا این کار و چند پروژه دیگر جمع شوند، ولی خب وزیر جدید هم مدیران خودش را داشت و آقای بازرگان هم رفت. نتیجه‌اش چه شد؟ این پروژه که کمتر از ۶ ماه وقت می‌خواست تا به نتیجه برسد اما همه چیز را متوقف کردند تا از اول مطالعه کنند. نتیجه‌اش این شد که پروژه تا دو سال و نیم بعد به تعویق افتاد. مدیران و وزرای ما چون برای دخل و تصرف در کارهای کارشناسی قدرت و اختیار زیادی دارند، این دست اتفاقات معمولاً بعد از دست به دست شدن دولت‌ها زیاد رخ می‌دهد. مدیران جدید تا بیايند متوجه شوند اولویت‌ها کدام است، تصمیمات آنها خسارت‌هایی وارد می‌کند. به این مسأله، موضوع نقاب‌های سیاسی را هم اضافه کنید که آسیب را دو چندان می‌کند. بنابراین برای من مثل روز روشن است که اگر پروژه‌های دولت تا مرداد سال ۱۴۰۰ جمع نشوند، حتی اگر ۱۰ درصد یا ۲۰ درصد هم از اداه کار آنها باقی باشد، به این زودی‌ها جمع نخواهند شد. چون ما هم آسیب ساختاری داریم که با تغییر مدیریت، اولویت پروژه‌ها تغییر می‌کند و هم طرف مقابل اگر سر کار بیاید که احتمالش هم به نظر من تقریباً قطعی



عبدالرضا/ایران

در آینده دیده شود.

با این توصیفی که شما از صحنه تحولات سیاسی دارید به نظر می‌رسد معتقدید به اصلاح‌طلبان و اعتدالیون دولت بعدی را در دست نخواهند داشت و مخالفان دولت در مسیر توفیق هستند. اگر چنین باشد در کجا باید دنبال شانس کنترل تندروی‌ها کردیم؟

به‌نظرم شانس این جریان برای گرفتن دولت در هر شرایطی زیادتر از بقیه است، مسأله‌ای که می‌گویم ناظر به این است که چطور قبل و بعد از آن عمل کنند. یعنی بیشتر از آنکه چه کسی رئیس جمهوری می‌شود، این مسأله مهم است که به‌صورت ملی تصمیم بگیریم جلو برویم و این ملی تصمیم در سطوح عالی اتخاذ شود. البته بخش عاقل جریان منتقد و مخالف دولت هم نقش بسیار مهمی دارند. ما الان نیازمند یک قوه عاقله در بین گروه‌ها و جریان‌ها و در مناظرات سیاسی هستیم که دامنه برخی زد و خوردها را کنترل کند. در همه طرف‌ها هم این را می‌خواهیم. الان این هیجانات این نگرانی را ایجاد می‌کند که نکنند عقلگرایی در سیاست‌ورزی ما کم‌رنگ یا تعطیل شود. وقت ورود عقلای جریان‌ها هم همین الان است. فردای کلید خوردن رقابت‌های انتخابیاتی دیر است. الان باید دامنه مناظرات کنترل شود. بحث من ناظر به این نیست که فردا یک دولت اعتدالی یا اصلاح‌طلب روی کار بیاید. من این فرض را برای خودم به‌صورت کامل در همه اظهارنظرها و توصیه‌ها در نظر می‌گیرم که دولت بعدی از جریان مخالف دولت فعلی است. اتفاقاً همین فرض هم هست که نیاز به کنترل دامنه نزاع از همین حالا را به وجود می‌آورد. ببینید در مقاطع منتهی به سال ۸۴ این ضرورت درک نشد و فضای تقابل سیاسی آنچنان در دولت بهترین شرایط اقتصادی کشور تحویل گرفت. بالاخره این منافع ملی و آرامش نفتی تاریخ هم به آن اضافه شد اما نتیجه در سال ۹۲ یک اقتصاد کاملاً تخریب شده بود. الان اما شرایط ما در قیاس با سال قبل از انتخابات ۸۴ فرق است. ما در این دو دهه زیر فشار اقتصادی و تحریم بوده، شاخص‌ها وضعیت مناسبی ندارند و امریکا هم سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ را بر ما اعمال می‌کند. اینجا اگر تجربه آن تقابل تکرار شود و از الان برایش فکری نشود، نتیجه‌اش معلوم نیست به‌کجا می‌رسد.

حالا در همین فضا ما بحث همکاری‌های جامع با چین را داریم که خودش هم کم و بیش محل مناظراتی شده. یک طرف گروه‌های خارج‌نشین القامی‌کنند که این قرارداد فروش کشور است و از طرف دیگر برخی منتقدان داخلی هم مدافع از این همکاری‌ها القا

دولت نسبت دادند و حالا در مورد همکاری با چین می‌خواهند تصویر دیگری بسازند که دولت در این توافق هیچ‌کاره بوده، نه آن درست است و نه این. متأسفانه مخالفان دولت تا قبل از این مدام می‌گفتند دولت نگاه به غرب کالاها، مواد اولیه و خدمات را بخیریم حرف‌های خنده‌داری هم می‌زدند، مثلاً می‌گفتند دولت، رئیس جمهوری چین را در سفر به تهران خوب بدرقه نکرد و به همین دلیل آنها از ایران دلخور هستند. حالا که معلوم شده دولت در این مدت نه تنها بی‌توجه به شرق نبوده، بلکه در حال بررسی گزینه راهبردی و استراتژیکی مثل همین قرارداد ۲۵ ساله چیه‌ا، کم کم دارند می‌گویند این ربطی به دولت ندارد و تصمیم دولت نبوده!این واقعا با انصاف و تدبیر همخوانی ندارد. ضمن اینکه هم باعث کندی کار می‌شود و هم تردید طرف مقابل.

به‌نظر شما این قرارداد همکاری‌های بلندمدت چقدر می‌تواند آثار منفی ناشی از تحریم را رفع کند؟

به‌صورت کامل نمی‌تواند رافع تحریم باشد چین هرچقدر هم قدرتمند باشد بالاخره یک کشور است نه بیشتر. ولی قطعاً تا حد زیادی می‌تواند مشکلات ناشی از تحریم را کاهش دهد. ما به هر حال در همین شرایط تحریمی و بدون این توافق چین سومین تصمیم مهم و راهبردی داریم با چین کارهایی می‌کنیم، نفت می‌فروشیم و پروژه‌هایی داریم. برخی‌ها هم البته این را برجسته می‌کنند که چینی‌ها از قرارداد ۱۳۸۱ پارس جنوبی خارج شدند. همچنان که برخی دیگر هم با دادن زن به ادعاهایی مبنی بر اینکه بخش‌هایی از کشور در اختیار چین قرار می‌گیرد، به جود چینی‌ها می‌زنند.

آن تمام ماجرا نبود. ۴۰ پروژه در قالب «اول پک» با چینی‌ها در همین دولت توافق شد که ۷-۸ تا از آنها تمام شد و بقیه هم در حال انجام هستند چرا ما نباید از این ظرفیت همکاری بهره بیشتری ببریم. من هم شکی ندارم که تحریم‌ها حتی کار را با چین را نیز برای ما سخت می‌کند اما آن طرف قضیه هم این موضوع است که می‌شود برای حل این موضوع راهکار پیدا کرد. برای مثال این موضوع در احکام تقلیل یعنی نیاز به طراحی یک مدل متفاوتی از همکاری است که شذنی هم هست. آنها که ادعاهای عجیب و غریب دارند به اشتباه می‌کنند ما عین همین قرارداد استراتژیک را در دوره آقای خاتمی با هند امضا کردیم و تا حدودی هم اجرا شد. آیا مستعمره هند شدیم؟ کشورهایی که برخی می‌زنند که در قرارداد با چین فلان شدند و بهمان شدند، به لحاظ مؤلفه‌های قدرت ملی شاید ۵ درصد ایران هم نباشند. ما مثلاً ما در دوره آقای هاشمی مثل همین قرارداد را با روسیه امضا کردیم. در آن دو قراردادی که اشاره کردم هم کارهای بزرگی انجام شد. هم در بخش دفاعی و هم غیر دفاعی. شاید البته به گستردگی این قرارداد نبودند اما بالاخره در همین مدل تعریف می‌شدند.

همین آقایی‌ها که اصلاح‌طلبان و بی‌توجهی به این داشتن نگاه به غرب می‌کنند بگویند در دولت مطلوبشان کدام قرارداد مشابه با کشورهای شرقی امضا شد. مسأله آنها این بود که چهار تا قرارداد ساده با ونزوئلا را در بوق و کرنا می‌کردند، اما این نوع قراردادهای راهبردی را نمی‌بینند.

قرارداد استراتژیک یک ظرفیت است که باید در قالب آن کارهای دیگری صورت بگیرد. یعنی شاید اسم قرارداد با چین ۴۰۰ میلیارد دلار باشد اما ظرفیت آن خیلی بیشتر است

حالا در همین فضا ما بحث همکاری‌های جامع با چین را داریم که خودش هم کم و بیش محل مناظراتی شده. یک طرف گروه‌های خارج‌نشین القامی‌کنند که این قرارداد فروش کشور است و از طرف دیگر برخی منتقدان داخلی هم مدافع از این همکاری‌ها القا

■ دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۹
■ سال بیست و ششم
■ شماره ۷۳۹۸

خواهیم داشت. گواه آن هم وضعیت سه سال ۹۵، ۹۶ است که امریکا زیر برجام زنده بود. وقتی نمی‌توانیم نفت بفروشیم، وقتی پول کالای فروخته شده خودمان را نمی‌توانیم بگیریم، وقتی نمی‌توانیم بسیاری از کالاها، مواد اولیه و خدمات را بخیریم یا اگر به صورت محدود می‌خریم باید درصد زیادی بیشتر از بقیه پول بدهیم، مشخص است که روی اقتصاد تأثیر می‌گذارد. در مواردی شده که یک کار ساده انتقال پول ما از یک نقطه دنیا به نقطه دیگر، ۱۸ درصد برایمان هزینه داشته. این یعنی اینکه هم داریم گران می‌خریم، هم ارزان می‌فروشیم و هم در انتخاب‌ها دست‌مان باز نیست. خب اینها آثار منفی خود را نشان می‌دهند. آثار منفی‌اش چیست؟ یکی این است وقتی کمبود ارز پیدا می‌کند قیمت ارز بالا می‌رود. دیگر این است وقتی کمبود بودجه پیدا می‌کند دولت مجبور به استقراض می‌شود و این یعنی افزایش نقدینگی. افزایش نقدینگی هم یعنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم. چطور می‌شود جلوش را گرفت؟ باید مانع افزایش ناهنجار نقدینگی شویم. چه موقع می‌توانیم این کار را بکنیم؟ موقعی که بودجه کشور متعادل بشود و کسری نداشته باشد. خب تحریم درآمدهای دولت را کم کرده، یعنی شرکت‌ها هم ضعیف شده‌اند و مثل سابق نمی‌توانند مالیات بدهند. اینها باز خودش باعث کاهش درآمد دولت می‌شود. اینکه اینها را نادیده بگیریم و بگویم هر چه مشکل هست به تصمیمات داخلی دولت بر می‌گردد، شناخت غلط از مسائل است. نمی‌گویم تصمیمات دولت بدون نقص است. ولی یک حرف‌هایی زده می‌شود که دروغ است، مثلاً یکی از نمایندگان سرشناس مجلس فعلی در کلیسی گفته ایران می‌توانست در قرارداد با عراق فلان پلتفرم‌ها را اجرا کند و تولید مشترک با مایدان مشترک بکند. من با اطلاع کامل می‌گویم این دروغ است و عراق هیچ وقت برای این کار اعلام تمایل و آمادگی نکرد.

تحریم بیکاره کل اقتصاد ما را هدف گرفت. یک درصد از این نیازمند منابع دلار هستیم که براحتی تأمین نمی‌شود. راه حلش هم اگر بپذیریم که جایگزین کردن ارزهای دیگر است، مگر یک شیه می‌شود این کار را کرد؟ همین یک قلم بحث کاهش منایع دلار عیناً ببینید چقدر به اقتصاد کشور لطمه زده. اگر بخواهیم غیر شعاری و بر اساس حساب و کتاب واقع‌بینانه حرف بزنیم، تنها راه کشور هم در شرایط فعلی این است که به سمتی برویم که فعلاً فشار تحریم را کم کنیم نه اینکه تحریم را از بین ببریم. آن کار در کوتاه مدت و حتی میان مدت نشدنی است. اول باید این قدم را برداریم و بعد برویم سراغ قدم‌ها بعدی. قرارداد با چین، روسیه، همسایگان و امثال اینها کم کردن فشار تحریم است. بنابراین من هر چند معتقدم دولت در جاهایی می‌توانست عملکرد دیگری داشته باشد اما آن را دارای تأثیر زیاد برای شرایط بعد از تحریم نمی‌دانم.

در نهایت فکر می‌کنید اولویت‌های دولت برای یک سال پیش رو چه باید باشند؟

تلهایی کردن قرارداد با چین و تمام کردن پروژه‌هایی که اشاره کردم، مهم‌ترین کار است. البته خوشبختانه بیهودام که آقای علی لاریجانی همچنان مسئولیت ادامه مذاکرات را برعهده دارد، چون قبلاً هم بخشی از کار توسط ایشان صورت گرفته بود و در جریان هست. حضور ایشان را هم در در این فرآیند با این شکل یک نقطه مثبت می‌دانم. باز تا جایی که اطلاع دارم، دولت هم موافق نقشی است که به ایشان داده شده و علاقه‌مند است که آقای لاریجانی این کار را ادامه دهد. در این یک سال علاوه بر این قرارداد، به نظر من دولت می‌تواند حداقل سنگ بنای قراردادهای مشابه جدید را با قدرت‌هایی مثل روسیه و هند هم بنا بگذارد. همین طور وارد قراردادهای تازه‌ای با همسایگان شویم. گما اینکه به طور مثال همین الان با پاکستان، کویت و عمان قرارداد صادر کرد داریم و با امارات هم بررسی‌هایی دارد انجام می‌شود. این موارد باید بیشتر شود.

تذکره

وزارت کشور تنها مرجع صدور مجوز تشکل‌های امر به معروف

«**خبر اول اینکه**، دبیر شورای ملی تشکل‌های مردم نهاد کشور گفت: تنها مرجع صدور مجوز فعالیت برای تشکل‌های حوزه امر به معروف و نهی از منکر وزارت کشور است و مجوزهای صادر شده توسط معاونت اجتماعی و مطالبه‌گری ستاد امر به معروف و نهی از منکر برای سازمان‌های مردم نهاد مربوطه فاقد وجاهت قانونی است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، «زهره عابدینی» درخصوص اقدام ستاد امر به معروف و نهی از منکر برای صدور مجوز فعالیت برای سازمان‌های مردم نهاد گفت: مراجع متولی صدور مجوز برای فعالیت‌های گروهی در قالب سازمان مردم نهاد در قوانین و مقررات جاری کشور تعیین شده‌اند و صدور مجوز توسط هر دستگاه دیگری به غیر از مراجع قانونی تعیین شده، فاقد وجاهت حقوقی است و مجوزهای صادر شده نیز غیرقانونی و فاقد قابلیت بهره‌برداری برای تشکل است.

طالبان در ایران دفتر ندارد

«**خبر دیگر اینکه**، سید عباس عراقچی، معاون سیاسی وزیر خارجه کشورمان در مصاحبه با شبکه «طلوع نیوز» افغانستان در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا طالبان در ایران دفتر دارد یا خیر تأکید کرد که طالبان در ایران هیچ دفتر ندارند.

به گزارش ایسنا، عراقچی، همچنین در پاسخ به این سؤال که «شورای مشهود» چیست؟ گفت: این چیزی است که ممکن است طالبان برای خود درست کرده باشد ولی از نظر ما موضوعیت ندارد.

انتقاد از نگاه جنسیتی مجلس به نمایندگان زن

«**دست آخر اینکه**، هاجر چترانی در جلسه علنی دیروز مجلس در تذکر آیین‌نامه‌ای، گفت: نزدیک به دو هفته پیش دبیران کمیسیون‌های مجلس انتخاب شدند ولی متأسفانه مجلس شورای اسلامی شاهد نوعی تبعیض برای زنان در این حوزه بود.

به گزارش ایلنا، نماینده نیشابور و فیروزه ادامه داد: در ماده (۱۰۱) برنامه ششم توسعه تصویب کردیم و رئیس جمهوری نیز در ۲۷ تیرماه ۹۶ دستورالعملی را به ادارات برای اجرا ابلاغ کردند که بر این اساس باید نحوه انتخاب مدیران با اولویت برگزیدن مدیران زن در دستگاه‌های اجرایی به ۳۰ درصد افزایش یابد اما مجلس در انتخاب دبیران کمیسیون‌ها به این دستورالعمل پایبند نبود در حالی که ما بانوانی در قوه مقننه داریم که از تحصیلات و شایستگی بالایی برخوردارند. امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی در پاسخ به این تذکر چترانی گفت: هیأت رئیسه نمی‌تواند معتقد است انتخاب‌ها باید بر اساس شایستگی باشد و هر نوع نگاه جنسیتی ناپسند و نادرست است. کسانی که شایستگی کسب سمتی در مجلس دارند باید مورد انتخاب قرار گیرند. البته این طور که من سؤال کردم برای انتخاب دبیر کمیسیون اصل ۹۰ یکی از بانوان انتخاب شده و در عین حال این مسأله قابل بررسی است.

لیلاز: قرارداد با چین موازنه را به روابط خارجی ایران برمی‌گرداند

همکاری با چین می‌تواند امریکا را به میز مذاکره با ایران بکشد

سعید لیلاز، تحلیلگر سیاسی- اقتصادی معتقد است که حتی غربگرایان هم باید از همکاری‌های بلندمدت ایران و چین استقبال کنند. لیلاز در بخشی از گفت‌وگوی خود با جماران گفت: این قراردادی بسیار خوب است؛ بویژه در موقعیتی که ایران قرار دارد. به نظر من کسانی که طرفدار مصالحه با امریکا هستند یا حتی غربگرایان باید از این قرارداد حمایت کنند. زیرا این قرارداد می‌تواند امریکا را به پای میز مذاکره با ایران بکشد.

او افزود: حساسیت عمومی و دغدغه نخبگان با هر نیتی که باشد، نشانه یک «ایران دوستی‌ناپ» بوده و ضامن حفظ موازنه ایران با شرق و غرب است. موازنه‌ای که از سالیان دور بخش لایتنک سیاست خارجی ایران بوده است. مردم ما همواره باید مراقب حکومت‌ها باشند تا مبادا خطایی مرتکب شوند. هر دولتی در دنیا از امریکا و انگلیس و فرانسه گرفته تا چین و ایران و... تنها به دنبال حداکثرسازی منافع خودش است و از این بابت نه می‌توان هیچ کشوری را لعن و نفرین کرد و نه می‌شود به آن جایزه داد. ما نیز باید به دنبال حداکثری کردن منافع خود باشیم. به همین دلیل، من در چنین موقعیتی طرفدار همکاری با چین هستم.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: معتقدم این قرارداد در وهله اول موازنه را به روابط خارجی ایران بازمی‌گرداند و در مرحله دوم از زیاده خواهی‌های غرب بویژه ایالات متحده امریکا جلوگیری و به بی‌عملی اروپا پاسخی مثبت می‌دهد.

اقتصاد چین ارزان‌ترین اقتصادی است که ایران می‌تواند با آن کار کند. کار کردن ایران با چین یک ضرورت ژئوپلیتیک و سیاسی نیست، بلکه ضرورت اقتصاد است. به همین دلیل است که تا مردم را هم نمی‌کنیم، به سراغ چین می‌روند و از آنجا کالا می‌آورند. زیرا تنها اقتصاد داری ارزان و در دسترس ایران است. مابقی با داری نبوده یا اینکه ارزان و در دسترس نیستند. موقعیت فعلی ما ایجاب می‌کند از هر قراردادی که بن‌بست اقتصاد فعلی کشور را می‌شکند، استقبال کنیم.

لیلاز گفت: مسأله این نیست که ما نباید هیچ قراردادی ببندیم. ایران هم باید بتواند در شرایط فعلی بر اساس موقعیت خودش برای حفظ موازنه و عقب راندن زیاده‌خواهی‌های امریکا کاری کند. ولی یافته‌های ما در تجربه اخیر برجام نشان داده که اروپا عملاً وجود خارجی ندارد. اگر فرانسه و آلمان و... ادعایی مطرح می‌کنند، حرف زیادی می‌زنند. بنابراین، ما باید به فکر برقرار کردن مجدد این موازنه باشیم. راه حل فعلاً جز چین نمی‌تواند باشد؛ برای اینکه روسیه که شریک بالقوه دیگر ایران است، همسایه ما است و امکان اینکه بتواند به ایران علاوه بر فشار اقتصادی، فشار سیاسی بیابود، بیشتر از چین است. یکی از مزایای بستن قرارداد با چین در این است که آن کشور همسایه ایران نیست، پس اصلاً امکان اینکه بتواند ما را تحت سلطه سیاسی خود درآورد، وجود ندارد.

لیلاز تصریح کرد: الان کسانی که می‌خواهند ایران زنده بماند و غصه ایران را می‌خورند باید از این قرارداد استقبال کنند. برای اینکه هم فشار را از روی کشور کم می‌کنند و هم قدرت چانه‌زنی ما را در برابر غرب بالا می‌برد. ما اگر از این فرصت خود با چین استفاده نکنیم، غرب هیچ گاه فرصتی برای ما فراهم نمی‌کند. تجربه نشان داده که غرب تا اطلاع ثانوی چیزی جز ایالات متحده امریکا نیست. این حرف بسیار مهمی است که مطرح می‌کنم. هرگونه محاسبه روی آلمان یا اتحادیه اروپا، محاسبه روی خلا است و شاید مشابه ساختن خانه‌ای روی ماسه‌های کناری درآید.



تذکره